

متن سخنرانی جناب آقای دکتر سید محمد حسین عادل

ریاست کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

و ریاست هیات امنای موسسه بانکداری ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای را سپاس می‌گوئیم که توفیق به ما عنایت فرمود تا پنجمین سمینار بانکداری اسلامی را با شرکت شما عزیزان برگزار کنیم. انشاءاله این سمینار مایه بالندگی و خیر و برکت برای نظام بانکداری اسلامی باشد. من بدو از تشریف فرمائی شما تشکر می‌کنم و به همگی خیر مقدم می‌گویم، خصوصاً تشکر می‌کنم از جناب آقای محمدخان وزیر محترم امور اقتصادی و دارائی که تشریف آورده‌اند و با بیاناتشان ما را مستفیض نمودند. تشکر می‌کنم از حضرت آیت‌اله رضوانی پدر بانکداری اسلامی که همیشه نظام بانکی مرهون محبت‌های ایشان بوده و با فرمایشات و رهنمودهایشان همواره راه‌گشای بسیاری از مسائل سیستم بانکی بوده‌اند. امیدوار هستم که با شرکت پربار اساتید محترم و روحانیون معظم بتوانیم انشاءاله همچنانکه در خلال چند سال گذشته بهره برده‌ایم امسال نیز بهره بیشتری در جهت افزایش کیفی و کمی کار بانکداری اسلامی نصیبمان گردد. آنچه را که در این سخنرانی حضورتان ارائه خواهم داد در سه نکته خلاصه می‌شود:

نکته اول مربوط می‌شود به ارائه یک تصویر کلی از عملکرد پولی کشور در خلال ۵ سال اخیر که در این رابطه ارقام عمده پولی کشور را حضورتان عرضه خواهم داشت. موفقیت سیستم بانکی در خلال ۵ سال گذشته در واقع موفقیت نظام بانکداری اسلامی است.

نکته دوم متضمن بحث بسیار مختصری پیرامون سود و تخصیص بهینه منابع در بانکداری اسلامی خواهد بود که به هر حال به عنوان یک بحث مطرح است و به نظر من، بهتر است مطلب در این زمینه از همه ابعاد مورد توجه قرار گیرد.

نکته سوم مربوط می‌شود به تحول جدیدی که ما در نظام بانکداری اسلامی توانستیم به کمک

همین سمینار بوجود آوریم. در بخش اول که به ارقام عمده پولی کشور در ۵ سال گذشته مربوط می‌شود، همه می‌دانید که مهمترین وظیفه سیستم بانکی تجهیز منابع برای سرمایه‌گذاری کشور است، و اگر نظامی بخواهد به عنوان یک نظام کارآمد عمل کند باید بتواند وظیفه جمع‌آوری سپرده‌های خرد و درشت مردم را به خوبی انجام دهد و تجهیز منابع خوب بتواند صورت گیرد. ما موفقیت بانکداری اسلامی را در این می‌بینیم که وظیفه اصلی نظام بانکی را که تجهیز منابع و اعطای تسهیلات برای سرمایه‌گذاری است به خوبی انجام داده باشد، آنوقت ما قبول خواهیم کرد که نظام بانکداری اسلامی نظامی است محکم، استوار و معتبر. در خلال ۵ سال گذشته که شاید یکی از مهمترین دغدغه‌های فکری کشور این بود که چگونه با بازسازی کشور روبرو شود و برخورد کند و چگونه با این همه نیاز، به ظرفیت‌سازی کشور پردازد، می‌دیدیم که کشور به طور عادی به استفاده از تسهیلات بانک مرکزی و منابع کسر بودجه عادت دارد، در نتیجه ۵ سال پیش در برابر این سؤال قرار داشتیم که برای بازسازی کشور به این همه پول و سرمایه نیاز داریم و اینکه چه سیستمی و چه نظامی می‌تواند این همه پول را برای ما تهیه کند؟ از سوی دیگر دولت هم نمی‌خواست طبق عادت گذشته‌اش از بانک مرکزی فقط پول بگیرد و خرج کند. سیاست کلان دولت بر این بود که کسری بودجه را کم کند لذا یک مأموریت بسیار مشکلی را به دوش نظام بانکی گذاشت و آن عبارت بود از تامین منابع هنگفت لازم برای سرمایه‌گذاری‌هایی که باید در بخش بازسازی کشور، در بخش ظرفیت‌سازی کشور و در بخش احیای ظرفیتهای سرمایه‌گذاری شده از قبل انجام می‌گرفت. سیستم بانکی این مأموریت بسیار مشکل را با یک نظام نوین و نوپا بنام نظام بانکداری بدون ربا به عهده گرفت و خوشبختانه توانست با موفقیت ظرف مدت ۵ سال جمع سپرده‌های مردم را از ۱۲ هزار میلیارد ریال به بیش از ۴۲ هزار میلیارد ریال برساند و این یک موفقیت بسیار شایانی است. یعنی بیش از ۳/۵ برابر، ۳/۶ برابر سپرده‌های بانکی افزایش یافت که در تاریخ بانکداری کشور چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب این رقم بی‌نظیر است و این نشان‌دهنده اینست که سیستم بانکی و نظام بانکداری بدون ربا توانسته است با جلب اعتماد مردم و با ارائه خدمات بهتر و کارآمدتر مردم را تشویق کند به اینکه معاملات خودشان را به صورت غیرنقدی انجام دهند و پولهای خودشان را در بانک بگذارند که بانک بتواند از این منابع برای اعطای تسهیلات و برای سرمایه‌گذاری استفاده کند. سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود اینست که خوب، مردم پولشان را در چه نوع سپرده‌هایی گذاشته‌اند؟ آیا فقط آمده‌اند برای جواز قرض الحسنه سپرده‌گذاری کرده‌اند یا در حسابهای جاری گذاشته‌اند؟ چون با خیلی‌ها که راجع به افزایش سپرده صحبت می‌شود، می‌گویند مردم مجبورند با بانکها کار کنند در نتیجه پولشان را در بانکها می‌گذارند که چک بکشند و کارشان را انجام دهند. اما یک بررسی در مورد انواع سپرده‌های بانکی نشان می‌دهد که بیش از همه، سپرده‌های سرمایه‌گذاری ۵ ساله بلند مدت افزایش

پیدا کرده است یعنی ما افزایش انواع سپرده‌هایمان حدود ۲/۵ تا ۳ برابر است در حالیکه افزایش سپرده‌های سرمایه‌گذاری ۵ ساله که قطعاً نشان‌دهنده افزایش اعتماد مردم به سیستم بانکی هست ۴/۲ برابر و این نشان‌دهنده افزایش اعتماد مردم به سیستم بانکی هست ۴/۲ برابر و این نشان‌دهنده این است که به هر حال مردم قبول دارند به اینکه نظام بانکداری بدون ربا بتواند ارزش پول آنها را حفظ کند، به همین دلیل پولشان را در بانک گذاشته و می‌دانند قدرت خریدشان را بانک می‌تواند حفظ کند و این بر اثر سیاست‌های جدیدی بوده است که ما خوشبختانه با کمک کارشناسان خوبمان و اساتید محترمی که با ما همکاری دارند توانستیم اتخاذ کنیم و چنین کاری را انجام دهیم. شاخص دیگری را در این مورد عرض می‌کنم که نشان‌دهنده ارائه خدمات بهتر از سوی نظام بانکی و اعتماد بیشتر مردم است و آن نسبت میزان اسکناس و مسکوک نقد در دست اشخاص است به کل نقدینگی. یعنی هر فردی از میزان پول نقد و دارائی نقدی که نزد خودش دارد چقدرش را در بانک می‌گذارد و چقدرش را نقد در منزلش یا در جیبش نگهداری می‌کند. شما چه موقع تصمیم می‌گیرید صد هزار تومان در خانه نگهداری نکنید که اگر مشکلی پیش آمد بتوانید از آن استفاده کنید؟ مطمئناً پارامترهایی که در تصمیم‌گیری شما مؤثر است، مربوط می‌شود به دسترسی سریع شما به بانک. اگر دسترسی سریع داشته باشید ترجیح می‌دهید که پولتان را در بانک بگذارید. آیا معاملات نقدی بیشتر در کشور رواج دارد یا معاملات غیرنقدی؟ اگر معاملات غیرنقدی رواج پیدا می‌کند و مردم چک را قبول می‌کنند آن وقت شما تمایل به این خواهید داشت که پولتان را در بانک بگذارید و چک بکشید، به جای اینکه نقد معامله کنید و پول و اسکناس در جیبتان حمل نمائید. پنج سال قبل اسکناس و مسکوک نزد اشخاص ۲۳ درصد بود یعنی ما ۲۳ درصد پول خود را به صورت نقدی نگهداری می‌کردیم. الان یعنی در همین خرداد و تیر امسال این نسبت به ۱۲ درصد رسیده است و این نسبت نشان‌دهنده رجحان و ترجیح مردم به اینست که پولشان را در بانک نگهداری کنند، از معاملات نقدی بپرهیزند. در نتیجه، معاملات غیرنقدی و به تبع آن اعتماد به ابزارهای پولی در حال افزایش است. شاخص بعدی دیگر مربوط می‌شود به شاخص تسهیلات: چقدر وام داده‌ایم، چقدر تسهیلات داده‌ایم که این هم رقم خیلی جالبی است یعنی ما در عین حال که بسیار سعی کردیم پولهای مردم را جمع کنیم و در بانک بگذاریم توانستیم این پولها را به خود مردم برگردانیم و در هزاران طرح سرمایه‌گذاری کنیم به طوری که مانده تسهیلات اعطائی ما از هفت هزار میلیارد ریال به ۳۱ هزار میلیارد ریال افزایش پیدا کرده است یعنی در عرض این ۵ سال میزان تسهیلات اعطائی، به بخشهای مختلف حدوداً به ۵۲ هزار میلیارد ریال بالغ گردیده است.

سئوالی که بلافاصله در اینجا مطرح است این است که این پولها را در چه بخشهایی سرمایه‌گذاری کرده‌ایم که سئوالی است منطقی.

در پاسخ بدین سؤال ارقامی را خدمتان عرض می‌کنم که نشانگر افزایش میزان تسهیلات در بخشهای مختلف است: در بخش کشاورزی حدود ۲۴۰ درصد، در بخش ساختمان و مسکن ۲۳۸ درصد، در بخش خدمات که عبارتند از آموزش، بهداشت، حمل و نقل و بازرگانی حدود ۲۳۰ درصد و در بخش صنعت و معدن ۶۰۰ درصد.

ملاحظه می‌فرمائید که افزایش سرمایه‌گذاری در بخش تولید ۶۰۰ درصد و در بخشهای دیگر تا حدودی کمتر است. به خاطر اینکه بخش صنعت ما یک مقدار بیشتر متأثر از تحولات ناشی از نرخ ارز بوده است. بعضی‌ها شبهه می‌کنند که تسهیلات مذکور به مصارف واقعی خود نرسیده است، این ارقام گویایی کاملی است که ما این سرمایه‌گذاریها را بیشتر در بخشهای مولد انجام داده‌ایم، در بخشهایی که تولید را افزایش می‌دهد. از نظر درصد افزایش، در کشاورزی میزان تسهیلات ما ۴ برابر، در ساختمان و مسکن ۳/۵ برابر، در بازرگانی و خدمات زیربنایی ۳ برابر، در تولید و صنعت و معدن ۶/۵ برابر و در سرمایه‌گذاریهای ملی و بزرگ از طریق مشارکت حقوقی مثل مترو، پتروشیمی اراک، آزادراه قزوین - زنجان و امثالهم یعنی پروژه‌های بزرگی که این روزها می‌بینید که افتتاح می‌شود ۴/۳ برابر شده است که به هر حال نشان دهنده افزایش میزان تسهیلات است. به گونه‌ای که متوسط تسهیلات ما ۴/۱ برابر افزایش یافته است که اینها البته تسهیلات اعطائی به بخش غیردولتی است. در اینجا من شاخص دیگری را هم می‌خواستم عرض کنم و به مطالب این بخش پایان دهم و آن یکی از شاخصهایی است که در دنیا به شاخص عملکرد نظام بانکی موسوم است و نشان دهنده ریسک‌پذیری سیستم بانکی است: نسبت تسهیلات یا وام به سپرده یعنی اینکه چند درصد میزان سپرده‌ها یا وام داده‌اید. این نسبت مشخص‌کننده مقداری است که بانک می‌تواند ریسک کند. در سال ۱۳۶۸، این نسبت یعنی نسبت تسهیلات به سپرده‌ها شصت درصد بود، یعنی شصت درصد منابع سیستم بانکی تسهیلات داده می‌شد. الان این نسبت به هفتاد و پنج درصد رسیده است یعنی، هفتاد و پنج درصد، بقیه‌اش، بیست و یک درصد را سپرده قانونی بانکها نزد بانک مرکزی تشکیل می‌دهد و لذا، با چهار درصد نقدینگی نظام بانکی اداره می‌شود که این نشان‌دهنده عظمت کاری است که ادارات خزانه و نشر اسکناس بانکها، این سربازان خموش و پشت صحنه بانکها انجام می‌دهند، عده‌ای از زحمتکشترین همکاران، که برای نقل و انتقال پول تلاش می‌کنند. اینها وظیفه دارند چنان به سرعت، نقل و انتقال پول تلاش می‌کنند. اینها وظیفه دارند چنان به سرعت، نقل و انتقال جابجایی پول را انجام دهند که سیستم بانکی با حداقل پول بتواند اداره شود، به عبارت دیگر، این نشان‌دهنده این است که ما در واقع با چهار درصد سپرده‌ها داریم سیستم را اداره می‌کنیم و بقیه را به سرمایه‌گذاری تخصیص می‌دهیم. این چیزی نیست جز موفقیت نظام بانکداری بدون ربا که پاسخی است برای خیلی‌ها که شبهه می‌کردند که آیا این نظام با تمام پیچیدگیهایی که در اوایل کار دارد می‌تواند واقعاً

جوابگوی یک کشور باشد یا نه؟ در سالهای قبل از شهریور ۶۳ تا ۶۸ کشور ما درگیر یک جنگ تحمیلی استکباری بود، ماموریت نظام بانکی تا این اندازه سنگین و خطیر نبود و به گونه‌ای «کجدار و مریض» می‌کرد ولی در این ۵ سال بود که می‌بایست این ماموریت خطیر را انجام می‌داد: کشوری جنگزده در حال نیاز شدید به منابع، بازسازی در حدی بسیار قابل ملاحظه و عدم تمایل به استفاده از منابع بودجه که طبیعتاً سیستم بانکی را بیش از پیش درگیر تامین منابع مالی مورد نیاز می‌کرد. و همانطور که جناب آقای محمد خان فرمودند بسیاری از وظایفی که دولت در زمینه سرمایه‌گذاریها انجام می‌داد، الان بر دوش سیستم بانکی قرار گرفته و این نه فقط شامل پروژه‌های دولتی بلکه شامل پروژه‌هایی است که قبلاً دولتی بوده و الان خصوصی شده است و مجموعه‌ای از طرحهای بزرگ نظیر پتروشیمی، سدها و نیروگاهها را در بر می‌گیرد.

در ۵ سال اخیر تنها ۲۰۷۱ طرح بزرگ از فولاد آلیاژی گرفته تا طرحهای مختلف سیمان و در شهرستانهای مختلف توسط بانک صادرات، حدود ۲۵۰۰ طرح توسط بانک سپه و همینطور بانک تجارت تامین مالی گردیده و مجموعاً ده تا پانزده هزار طرح ملی از طریق منابع مردم تامین شده است که مساعی همکارانمان در این زمینه شایان تشکر است.

این نکته اول، نکته دوم نظام بانکداری اسلام در رابطه با سود و تقسیم بهینه آن است. من خیلی مختصر می‌خواهم عرض کنم بعضی‌ها در فرمایشاتشان طوری عنوان می‌کنند که گوئی نظام بانکی با سود کم می‌شود بدون ربا و با سود زیاد می‌شود ربوی اصلاً بحث سود در معامله را با بحث ربا در قرض و وام اشتباه می‌گیرند، با ذهنیت ربوی خودشان سهم سود معاملات بانکی را هزینه بهره تلقی می‌کنند و افزایش هزینه بهره را به عنوان افزایش هزینه تولید قلمداد می‌نمایند، در نتیجه می‌گویند اگر سود در نظام بانکداری بدون ربا بالا برود سرمایه‌گذاری دچار افزایش هزینه می‌شود و نتیجه آن ایجاد تورم است. جالب این است که از این نیز پای فراتر می‌گذارند و استدلال می‌کنند که اگر سود بالا برود همه مردم پولشان را می‌گذارند در بانک و دیگر سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و در نتیجه سرمایه‌گذاری از بین می‌رود. پاسخ من اینست که اولاً بین سود با بهره یا ربا این تفاوت مهم وجود دارد که سودی که ما در تسهیلاتمان قائل می‌شویم، سهم سود مشارکت است، هزینه بهره یا ربا اضافه بر مال قرض داده شده نیست. یک موقع دو تن با یکدیگر شریک می‌شوند و می‌گویند ما بر مبنای پنجاه پنجاه در این سرمایه‌گذاری شریک هستیم، آخر سال هم سود حاصله را بر مبنای پنجاه پنجاه با یکدیگر تقسیم می‌کنیم. در این صورت، هرگز یکی از شرکاء به دیگری نمی‌تواند بگوید این سهم سودی که تو برده‌ای هزینه بهره است یا به اصطلاح هزینه مالی یا هزینه بهره است، در نتیجه اگر من نصف این سود را به تو بدهم هزینه من بالا می‌رود، بنابراین بگذار به جای نصف، کمتر به تو پرداخت شود، چرا که با یکدیگر شراکت کرده‌اند و در این شرکت سهم سود اولی پنجاه درصد و سهم سود

دومی نیز پنجاه درصد است و این سهم سود مشارکت است نه هزینه بهره. هیچیک از این دو نمی‌تواند به دیگری بگوید پنجاه درصد هزینه ربا یا هزینه بهره به یکدیگر تحمیل کرده‌ایم. چه هر دو بر مبنای یک منطق و یک دید باز مشارکت کرده‌اند و به نسبت پنجاه پنجاه با یکدیگر شریک و سهمیم هستند. البته نظام حسابداری ما هنوز خود را منطبق بر این طرز تفکر نکرده است و به جای بهره می‌نویسند هزینه مالی. این ذهنیت ربوی را ما باید از بین ببریم، زیرا این پولی نیست که قرض گرفته باشند و بعد بخواهند هزینه به اصطلاح مالی آن را بدهند. ممکن است به ذهن خیلی‌ها برسد که خوب این دو از نظر شکلی خیلی به هم شبیه هستند، البته خیلی چیزها از نظر شکلی با یکدیگر شبیه هستند و لذا نمی‌تواند برای ما حجت منطقی باشد که ما سهم «سود» و «هزینه ربا» یا «هزینه مالی» را با یکدیگر یکسان بدانیم. نکته دوم این است که مگر، در بانکداری بدون ربا نباید تخصیص بهینه منابع داشته باشیم؟ مگر بانکداری بدون ربا با تخصیص بهینه منابع متناقض است؟ حالا اگر قرار باشد که سود متوسط موسسه‌ای فرض کنیم ۲۰٪ یا ۳۰٪ باشد، و بعد سهم سود مورد انتظار سپرده‌گذار را به طور متوسط ۲۰٪ یا ۲۵٪ سود اعلام کنیم تعداد زیادی از مردم به جای اینکه به تنهایی خودشان پولشان را در سرمایه‌گذاری بکار برند، به بانک می‌سپارند، بدین‌گونه منابع بانک افزایش می‌یابد و مسلماً از تعداد کسانی که با سرمایه‌های خودشان و سرمایه‌های ملی کشور یکسری سرمایه‌گذاری‌های غیرقابل توجیه اقتصادی را انجام می‌دهند و در واقع منابع کشور را تلف می‌کنند کم می‌شود، در نتیجه سرمایه‌گذاری و منابع بانک افزایش می‌یابد و بانک هم تسهیلات بیشتر در اختیار کسانی قرار می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های قابل توجیه می‌پردازند و از این رهگذر تولید کشور را افزایش می‌دهند. این در صورتی تحقق می‌پذیرد که شما سود سپرده‌ها را به اندازه‌ای که سهم واقعی سپرده‌گذار است بالا ببرید و بنظر من، سهم واقعی سپرده‌گذار همیشه سودی است معادل رشد اسمی تولید ناخالص داخلی که یک معیار نسبتاً مناسبی است. به عبارت دیگر، سود متوسط را میتوانیم از روی به اصطلاح رشد اسمی تولید ناخالص داخلی حساب کنیم. اتفاقی که می‌افتد این است که خیلی‌ها که الان می‌روند با ارز کشور، با ماشین‌آلات کشور، با سرمایه خودشان وارد یک سری سرمایه‌گذاری‌هایی می‌شوند که توجیه ندارد یا ۱۰٪ بازده می‌دهد، به این کار مبادرت ننمایند و وقت انرژی خودشان و مدیریت کشور را تلف نکنند. این را به هیچ روی نمی‌توان اشتغال دانست. کسانی که طرفدار این فکر هستند که سود بانکی باید کاهش یابد تا خیلی‌ها بروند سرمایه‌گذاری انجام دهند، اینها همان کسانی هستند که زمانی که ما می‌خواستیم نرخ ارز را تعدیل کنیم می‌گفتند آقا اگر نرخ ارز را شما می‌خواهید منطقی کنید آن وقت خیلی از سرمایه‌گذاری‌ها که می‌خواهیم انجام دهیم توجیه نخواهد داشت. بله، نباید هم توجیه داشته باشد، بالاخره شما اگر هفت تومان را برسانید به یک نرخ ارز منطقی آن وقت است که خیلی از سرمایه‌گذاری‌ها را که الان دارید با هفت تومان انجام می‌دهید دیگر توجیه نخواهد

داشت و چه خوب شد که کشور از آن بلائی که وجود داشت نجات پیدا کرد. آنهمه ارز، آنهمه منابع مدیریت، آنهمه سرمایه‌گذاری ریالی و ماشین‌آلات هدر می‌رفت صرفاً به خاطر اینکه، یک نرخ راهنمای شاخص و غلط داشتیم، الان هدر می‌رفت صرفاً به خاطر اینکه، یک نرخ راهنمای شاخص و غلط داشتیم. الان کاری که شده است توجیه دارد. شما وقتی ارزش پول، این معیار اساسی را در یک حد درستش داشته باشید قطعاً همه کارها و همه سنجشها درست صورت می‌گیرد. چون ارزش پول اساس کار است، اساس سنجش است و البته همزمان اصلاح ارزش خارجی پول، لازم است ارزش داخلی پول را که همین نرخ سهم سود بانکی است اصلاح کنیم. البته این منظور در عرض ۵ سال گذشته تامین شده است، بالاخره هشت درصد به شانزده درصد رسیده و به همین دلیل پاسخ مناسب از طرف مردم داده شده است و این بدان مفهوم نیست که همیشه در جهت افزایش حرکت کنیم، چه از سوی دیگر باید سعی کنیم که تورم را نیز کاهش دهیم. به هر تقدیر باید سعی کنیم که نرخ سود ما بالاخره یک سود یا بازده واقعی باشد نه بازده منفی. الان به صورت منفی است. واقعیت اینست که سرمایه‌گذاری زیر شانزده درصد زیر هیجده درصد بازدهی، سرمایه‌گذاری ناپایداری است و یا حداقل نیاز به سوبسید دارد. البته این بدان معنی نیست که ما بخشهای نیازمند به سوبسید را نادیده بگیریم. ما همیشه در کشورمان بخشهایی خواهیم داشت که نیاز به سوبسید دارند چه در بخشهای مربوط به کشاورزی چه در فعالیتهای دیگر. من همین امروز نگاه می‌کردم به جمع تسهیلات قرض‌الحسنه و تسهیلات سوبسیددار سیستم بانکی در خلال پنج سال گذشته به مناطق محروم، روستاها، زلزله زدگان، آسیب دیدگان، مناطق جنگزده و بخش کشاورزی که از سال ۶۸ تا ۷۲ به حدود ۴۶۰۷ میلیارد ریال بالغ می‌شود که البته مقدار بسیار بالائی است. این یک بُعد قضیه است.

از سوی دیگر خود من مواجه با بسیاری از اقشار مستضعف، بازنشسته، معلم، آموزگار بوده‌ام که مرا قسم می‌دادند و حمایت از سپرده‌های پنج‌ساله خود را در قبال تورم موجود مصرانه خواستار بودند. قدر مسلم اینستکه بسیاری از اقشار مستضعف معمولاً پولهای اندک خود را در سرمایه‌گذاری پنج‌ساله می‌گذارند و توقعشان این است که ما صد هزار تومانی را که می‌گذارند در پایان سال به ارزش نود هزار تومان در اختیار آنان قرار ندهیم. لاقلاً معادل همان قدرت خرید زمان سپرده‌گذاری به آنان مسترد داریم. آخرین نکته‌ای را که می‌خواستم عرض کنم این است که الحمدالله به برکات همین جلسات چون فکرش از درون همین سمینار بانکداری اسلامی تراوش کرده است، ما باید راجع به ابزارهای نوین در بانکداری اسلامی چاره‌اندیشی کنیم. به یاد دارم که در همین جلسات جناب آقای رضوانی و جناب آقای حاج سید محمود هاشمی از فضایی حوزه علمیه قم بحثی را در مورد اوراق مشارکت مطرح نمودند. موضوع مورد بحث مشخصاً این بود که این اوراق مشارکت چه نوع اوراقی می‌تواند باشد و آیا با روح بانکداری بدون ربا منطبق است یا نه؟ بسیار خوشوقتم این خبر را بدهم که

بحمدالله با کمک همین اساتید عالیقدر و اساتید دانشگاه کار مفصلی در این زمینه انجام گرفت و بحمدالله حدود دو ماه پیش کلیاتش در شورای پول و اعتبار به تصویب رسید. این مهم توسط تعدادی از اساتید که بعضاً در اینجا تشریف دارند و با مشارکت برخی همکارانمان در بانک مرکزی انجام شد و امروز می‌توانیم اعلام کنیم که یک گام دیگر در نظام بانکداری بدون ربا برداشته‌ایم و انشاءالله ظرف چند روز آینده یکی از بانکهای ما به انتشار اوراق سرمایه‌گذاری برای اجرای یک پروژه عظیم خواهد پرداخت.

کار دیگری که آن نیز از همین جلسات - سمینار سیاستهای پولی و ارزی، موسسه تحقیقات پولی و بانکی - نشأت گرفت و من همین دیروز نامه‌ای را در این خصوص خدمت حضرت آیت‌الله رضوانی تقدیم داشتم، فکر ایجاد بازار ثانویه در بازار معاملات بورس برای کسانی است که اوراق سرمایه‌گذاری بلند مدت و گواهی سپرده دارند. سؤال ما این است که آیا می‌توانیم این اوراق را که در واقع گواهی وکالتی است بین سپرده‌گذار و بانک، در بازار بیرون از بانک معامله کنیم، یعنی من گواهی سپرده پنج ساله‌ام را به دیگری بفروشم و او نیز به فرد دیگری بفروشد و به همین ترتیب در بازار بورس این گواهی سپرده قابل معامله باشد؟ به طور خلاصه، منظور اینست که ما بتوانیم بازاری برای گواهی سپرده خودمان داشته باشیم و اینطور نباشد که دارنده سپرده پنج‌ساله به هنگام ضرورت ناگزیر باشد که فقط به بانک ذیربط مراجعه نماید و قرارداد فیما بین را قبل از موعد مقرر فسخ نماید. همانگونه که استحضار دارید، در اینگونه موارد، سپرده‌گذار به لحاظ فسخ قرار داد سود سپرده یکساله را دریافت خواهد نمود و این در واقع جریمه‌ای است که به او تعلق می‌گیرد. حال اگر این شخص به بانک مراجعه نکند و به کسی مراجعه نماید که ادامه این مشارکت را تا چهار سال بعد می‌پذیرد، قطعاً قیمت این ورقه متفاوت خواهد بود با قیمت اولیه آن لذا اگر انشاءالله بتوانیم به کمک حضرت آیت‌الله رضوانی و برادران خوب ما که از اساتید محترم هستند و همکاران ارجمند اداره بررسیهای اقتصادی این فکر را به مرحله اجرا در آوریم، قدم بسیار مهم و مثبتی در نیل بدین منظور برداشته‌ایم. به هر حال کلام به طول انجامید پوزش می‌طلبم خصوصاً که جناب آقای محمد خان وزیر محترم امور اقتصادی و دارائی خیلی لطف کردند و قسمتی از وقتشان را به استماع بحثهای ما اختصاص دادند. تشکر می‌کنم از همه شما به خاطر توجه و حوصله‌ای که مبذول داشتید والسلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته.